سوگ ‏نشین نهر علقمه

 **سید علی ‏اصغر موسوی**

مادر؛ مادری که اگر چه در کربلا نبود، ولی دلش تا ابد در کربلا ماند و نگاهش بر افق، که آیا «کاروان عشق» را بازگشتی خواهد بود؟

مادری که دلش برای همیشه در کنار «نهر علقمه»، سوگ نشین فرزندی شد که نظیر نداشت در زیبایی و شجاعت!

مادری که دلش در میدان «قتلگاه» بود و نگاهش بر آسمان، که چه وقت، «ماه»، بار دیگر خواهد تابید!

مادری که یک عمر، دست از «حسین حسین» گفتن بر نداشت و تمام غریبانه‏هایش را، حتی سوگ عزیزانش را با نام حسین علیه‏السلام همراهی کرد!

مادری که «ام البنین علیهاالسلام » بود، ولی آیینه نگاهش از آسمان کربلا، تنها اشکِ خونین ستارگان را چید؛ آن گاه که راوی، از عبور نیزه‏ها روایت می‏کرد!

مادری که حتی کوچه‏های «مدینه»، مرثیه‏سرای اندوه سترگ او شدند و به استقامت و صبر او ایمان آوردند!

مادری که «وفا»، اولین درس زندگی و «شجاعت»، عالی‏ترین سرشت همسری‏اش بود و «صحبت»، بالاترین باور مهر پروری‏اش

مادری که برای همیشه، با ناله‏های نینوایی، به یاد پسرانش، لالایی سرود و سروده‏هایش را فرات، هر روز، هنگام غروب نجوا می‏کند!

مادری که بعد از شهادت «عباس علیه‏السلام »، دیگر به ماه نگاه نکرد و آسمان مدینه، نعمت نورافشانی‏اش را از دست داد!

مادری که در کربلا نبود، ولی تا ابد در کربلا ماند و دل از «گودال قتلگاه» نگرفت و فریاد «یا حسین»اش را نه‏تنها در مدینه، که از صحن مطهر کربلا می‏توان شنید! درود خداوند و سلام پاکان، بر روح بلند و وفاداری بی‏نظیرش باد!

روح آسمانی‏اش، در سایه سار کوثر، شاد، و شفاعت بشکوهش، دستگیرمان باد!